DOI: 10.22067/social.2022.74896.1132
مقالۀ پژوهشی

آموزش مجازی و مسئله جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در همه‌گیری کووید-۱۹: ضرورت سیاست‌گذاری دوران پساکرونا

احمد کلاته ساداتی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی،دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسندۀ مسئول)
asadati@yazd.ac.ir
زینب صبوحی گلکار (کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی،دانشکده علوم اجتماعی،دانشگاه یزد، یزد، ایران)
zeinab.saboohi98@gmail.com

چکیده

یکی از کارکردهای مهم آموزش و پرورش جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است که عمدتاً تا قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ در محیط مدرسه انجام می‌شد. با شیوع همه‌گیری و آموزش مجازی، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان با شرایط جدیدی روبه‌رو شد. هدف مطالعه حاضر، شناسایی کیفیت جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در همه‌گیری کووید-۱۹ است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون در سال ۱٤۰۰ و در مدارس دولتی شهر طبس، به تبیین پدیده مدنظر پرداخته است. داده‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و به شیوه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با والدین (١٤ نفر)، دانش‌آموزان (١٦ نفر) و معلمان (٦ نفر) جمع‌آوری شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که در همه‌گیری اقتدار مدرسه در موضوع جامعه‌پذیری به حداقل ممکن رسیده است. به‌رغم انتظارات از مدرسه در موضوع جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، با توجه به مجازی شدن آموزش، رسانه به ابزار قدرتمند جامعه‌پذیری تبدیل شده است. مضامین برساخت‌شده مرتبط با مسئله‌مندی جامعه‌پذیری عبارت‌اند از: غیررسمی شدن مناسک آموزش، کاهش اقتدار معلم، آسیب‌های فضای مجازی، ضعف نظارت و تعارض‌های چندوجهی. مدل مفهومی، مدرسه‌زدایی

مجلّۀ علوم اجتماعی دانشکدۀ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۳۵-۱۶۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲ تاریخ تصویب:۱۴۰۱/۰۴/۱۴

ناخواسته در موضوع جامعه‌پذیری است. توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در عصر پساکرونا و ضرورت‌های آموزشی مرتبط، ضرورت سیاست‌گذارانه جدی در وزارت آموزش و پرورش است. افزون بر آن، طراحی نرم‌افزارهای آموزشی برتر در کنار به‌روزرسانی سواد رسانه‌ای معلمان، به‌عنوان اولویت آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود. توجه به تغییرات وسیع و عمیق اجتماعی در کشور، ضرورت جدی برای سیاست‌گذاران آموزش و پرورش است.

کلیدواژه‌ها: آموزش مجازی، جامعه‌پذیری، معلم، کاهش اقتدار، دوران پساکرونا.

۱. مقدمه

شیوع ویروس کووید-۱۹[1] با منشأ زیستی و پزشکی بر بسیاری از نهادهای جامعه تأثیرگذار بود. چنین همه‌گیری از همان آغاز باعث شکل‌گیری نوعی احساس و اضطراب مخاطره‌ای در جهان شد (کلاته ساداتی و باقری لنکرانی، ۲۰۲۰). تأثیرات ویروس بر تمامی ساحت‌های انسانی و اجتماعی از سلامت و بیماری گرفته تا اقتصاد و سیاست بر همه روشن بود (شهابی و همکاران، ۲۰۲۱). یکی از حوزه‌هایی که به‌شدت متأثر از همه‌گیری کووید-۱۹ بود، آموزش و پرورش در سراسر جهان بود. میلیون‌ها محرومیت از تحصیل در میان دانش‌آموزان، اولین پیامد ناگوار این همه‌گیری بود (جولایی و کلاته ساداتی، ۲۰۲۱). در کنار محرومیت از تحصیل، دیگر مسئله‌ای که به وجود آمد، تأثیر بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان ، به‌خصوص دانش‌آموزان ی بود که برای سال‌های اول وارد مدرسه می‌شدند یا وارد مقاطع بالاتر می‌شدند. این موضوع نشان داد که جامعه‌پذیری[2] نیز به‌شدت متأثر از همه‌گیری کووید-۱۹ به‌خصوص در ارتباط با توسعه آموزش مجازی و آمادگی نداشتن آموزش و پرورش در این زمینه شده است.

1. COVID-19
2. Socialization

تحقیقات متعددی در زمینه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان صورت گرفته است؛ اگرچه دربارهٔ موضوع کووید-۱۹ مطالعه جدی انجام نشده است. استورای، بازوبندی، خاک پورفرد و گردانی (۱٤۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر موبایل بر جامعه‌پذیری مدرسه» اشاره کرده‌اند که ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به نوبه خود کار سنتی جامعه‌پذیری را به چالش کشانده است. دیربان و آقایی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که بین سواد رسانه‌ای معلمان و نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. کرمی، صمدی، آرمند و انصاریان (۱۳۹۹) در پژوهش خود دربارهٔ عوامل جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوم براساس مبنای سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش اشاره کرده‌اند که مدرسه، خلاقیت و مهارت، ارزشی و فرهنگی، نگرش، اجتماعی، ارتباطات و تعامل، خانواده، اقتصادی و سیاسی بیشترین سهم را در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان داشتند. دهقان، مروت و غفاری (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که اتفاق‌نظر بین هنجارها و ارزش‌های خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیرگذار است و برعکس آن نیز صدق می‌کند. رضوانی (۱۳۹٦) در پژوهشی با عنوان «استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جامعه‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه چالوس» بیان کرد که بین میانگین جامعه‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در دو گروه کاربر اجتماعی و غیرکاربر شبکه‌های مجازی تفاوت معناداری وجود دارد. محسنی و آذری (۱۳۹٦) در پژوهش خود اشاره کردند که استفاده دانش‌آموزان دبیرستانی از فضای مجازی زیاد است و قدرت فضای مجازی در دست کسانی است که فرهنگ آن‌ها با فرهنگ کشور ما در تقابل است و تأثیرگذاری این فضا به‌دلیل عوامل جذابیت، به‌روزبودن، تنوع و در دسترس بودن فضای مجازی در بین دانش‌آموزان، زیاد است. رضازاده بهادران و نصیریان (۱۳۹٦) در پژوهش خود بیان کردند که شبکه‌های اجتماعی بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری دارد. رزاقی و علیزاده (۱۳۹۵) ذکر کردند که متغیرهای نیازهای انسجام شخصی، نیازهای گریز از واقعیت و نیازهای انسجام اجتماعی بیشترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری

مجازی داشته‌اند. موسوی و جمالی (۱۳۹۰) نشان دادند، بین الگوی استفاده از موبایل و جامعه‌پذیری مدرسه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

عیسی[1] و بازی[2] (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «کووید-۱۹ و عدم جامعه‌پذیری: آیا نوآوری خدمات برای دانشگاه‌ها امری ضروری است؟» نشان دادند که تأثیر مستقیم معناداری بین نوآوری خدمات دانشگاه بر رضایت دانشجویان و تأثیر غیرمستقیم از طریق نقش میانجی بر شهرت دانشگاه وجود دارد. سوینی، لیو و ایوانز[3] (۲۰۲۱) بیان کردند که یادگیری برخط موجب ظهور الگوهای جدیدی از تعاملات بین‌فردی شده است که دانشجویان را مجبور کرده است به‌صورت واکنشی یا فعالانه به بافت هنجارهای جدید پاسخ دهند. سازمند اسفرنجان، شیرزاد، برادری، سلیمی و صالحی (۲۰۱۳) ذکر کردند که گفت‌وگوهای مبتنی‌بر وب ممکن است عاملی کمک‌کننده برای بهبود وضعیت انزوا و بیگانگی و رفع نیاز آموزش و برای اجتماعی شدن نیز باشد. ایروین[4] و برگ[5] (۲۰۰۶) در تحقیق خود نشان دادند که موضوع کارآمدی جامعه‌پذیری برخط از این لحاظ چالش برانگیز است که تعریفی منسجم و جامع برای جامعه‌پذیری وجود ندارد.

بررسی و تحلیل پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تاکنون مطالعه‌ای در زمینه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در زمان همه‌گیری کووید-۱۹ انجام نشده است. مطالعات تا قبل از همه‌گیری، جامعه‌پذیری افراد در مدرسه را به‌عنوان دومین عامل مهم بعد از خانواده مطرح کردند. با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹، وزارت آموزش و پرورش در ایران، روند آموزش را از محیط مدرسه به بستر شاد انتقال داد که البته با توجه به مشکلات این بستر معلم‌ها از فضای مجازی به‌خصوص واتساپ نیز استفاده می‌کردند. کم‌رنگ شدن حضور دانش‌آموزان در محیط

1. Easa
2. Bazzi
3. Sweeney, Liu & Evans
4. Irwin
5. Berge

مدرسه باعث شد تا فرایند جامعه‌پذیری سنتی، کم‌رنگ‌تر شود. تحقیق حاضر درپی پاسخ به این سؤال است که چالش‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در همه‌گیری کووید-۱۹ چه بوده است؟ ازآنجاکه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در کشور ما همچنان یکی از مسائل مهم و مسئولیت‌های آموزش و پرورش است، ضرورت دارد با توجه به تغییرات وسیع اجتماعی و موضوع جهان پساکرونا، در این زمینه تحقیق انجام گیرد.

۲. مبانی نظری تحقیق

موضوع جامعه‌پذیری از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بحث‌شدنی است که در اینجا بر رویکرد جامعه‌شناختی تأکید می‌شود. در جامعه‌شناسی برای نخستین بار زیمل بود که به موضوع جامعه‌پذیری توجه کرد و بعدها کولی و گیدنز این مباحث را توسعه دادند. رویکردهای مید و بلومر نیز در این زمینه مهم و درخور توجه است. به‌صورت‌کلی، کارکرد آشکار و اصلی آموزش و پرورش، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. جامعه‌پذیری، درواقع نوعی کنش متقابل اجتماعی است که در آن فرد، هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی موجود در گروه‌ها یا محیط پیرامون خود را فرامی‌گیرد، آن را درونی کرده و با شخصیت خود یگانه می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵، ص. ١٤٤). فرایند جامعه‌پذیری از طریق نهادهای رسمی جامعه مانند آموزش و پرورش اتفاق می‌افتد، اما روابط و نهادهای غیررسمی نیز در این زمینه تأثیرگذارند؛ برای مثال، کولی بر این عقیده است که گروه‌های نخستین مثل خانواده و گروه‌های دوستی تأثیر مهمی بر جامعه‌پذیری دارند. مید نظریه کولی را پذیرفت، اما بر این نظر بود که با افزایش سن توسعه شناختی نیز اتفاق می‌افتد و فرد از طریق دیگران مهم جامعه‌پذیر می‌شود که می‌توان معلم و مدیران مدارس را جزو این دیگران مهم تعریف کرد؛ بنابراین فرایند جامعه‌پذیری در جامعه به‌طور غیررسمی مانند گروه دوستان، خانواده، فضای مجازی و... است و به‌طور رسمی از طریق مدرسه صورت می‌گیرد (تنهایی، ۱۳۷۹).

مدرسه، عامل یا کارگزاری است که به‌طور رسمی توسط جامعه موظف به اجتماعی کردن نوجوانان در زمینه مهارت‌ها و ارزش‌های خاصی شده است. در مجموعه مدرسه، نوجوان برای اولین بار زیر نظارت مستقیم کسانی قرار می‌گیرد که خویشاوند او نیستند. همچنین مشارکت در زندگی مدرسه وابستگی و اتکای کودکان را به خانواده کاهش می‌دهد و ارتباطات جدیدی با جامعه بزرگ‌تر که ورای خانواده قرار دارد، ایجاد می‌کند. اولین وظیفه مدارس عبارت است از اجتماعی کردن کودکان در زمینه مهارت‌های شناختی از قبیل خواندن یا حساب کردن و فراهم کردن معلومات درباره موضوعات گوناگون که ممکن است در خانواده فراهم نباشد. همچنین مدارس در هر جامعه، ارزش‌ها را به‌صورت درست به کودکان تلقین می‌کنند. مدرسه به‌عنوان عامل اجتماعی ساختن، براساس قواعدی که انتظار می‌رود هر فرد از آن تبعیت کند، سازمان یافته است. درحالی‌که خانواده در جوامع ابتدایی مسئول مستقیم اجتماعی کردن نخستین دوران کودکی است، در جوامع پیشرفته این مسئولیت به سازمان‌های رسمی مانند مدرسه واگذار شده است. در جوامع جدید، مفهوم آموزش و پرورش و کارکردهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی شده است (استواری و همکاران، ١٤٠٠). در کنار رویکردهای اثباتی به موضوع مدرسه می‌توان به رویکرد انتقادی ایلیچ هم توجه داشت که مدرسه را بستری برای بازتولید نابرابری‌های اجتماعی قلمداد می‌کند. از نظر ایلیچ، مدرسه هرگز به اهداف آموزش و پرورش که رشد مهارت‌های مفید و استقلال فکری است، دست نمی‌یابد؛ بلکه نوعی نگاه دیوان‌سالارانه و تجاری به جهان را به دانش‌آموز منتقل می‌کند (شارع‌پور، ١٣٩٤).

با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ شرایطی به وجود آمد که موجب تغییر چشمگیر روند آموزشی شد. حضور دانش‌آموزان در محیط مدرسه کم‌رنگ شد و آموزش مجازی جایگزین آموزش حضوری شد؛ این امر موجب شد تا مهم‌ترین کارکرد آموزش و پرورش یعنی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان با تغییراتی همراه شود و چالش‌هایی را به وجود آورد.

۳. روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر که در سال ۱٤۰۰ انجام شد، کیفی است. مدارس دولتی شهر طبس میدان مطالعه را تشکیل دادند. مشارکت‌کنندگان تحقیق عبارت‌اند از معلمان، دانش‌آموزان و والدین دانش‌آموزان که به روش نمونه‌گیری هدفمند[1] انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها با ٣٦ نفر مصاحبه شد: ١٤ نفر والدین دانش‌آموزان، ١٦ نفر از دانش‌آموزان (٧ نفر در مقطع ابتدایی و ٩ نفر در مقطع متوسطه بودند) و ٦ نفر از معلمان. پس از هماهنگی با مراجع ذی‌صلاح برای ورود به مدرسه، مصاحبه‌ها انجام گرفت. اشباع داده در مصاحبه سی‌ودوم به دست آمد، ولی چهار مصاحبه دیگر برای اطمینان بیشتر انجام گرفت. اطلاعات مشارکت‌کنندگان در جدول ١ آورده شده است.

جدول ١. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

شماره شرکت‌کننده در تحقیق	نام استعاری	نقش	ویژگی
١	خانم یوسفی	مادر	دارای یک فرزند متوسطه
٢	آقای احمدی	پدر	دارای یک فرزند متوسطه
٣	خانم بهاری	مادر	دارای یک دو فرزند متوسطه و یک فرزند ابتدایی
٤	خانم محمدی	مادر	دارای دو فرزند ابتدایی
٥	آقای سیفی	پدر	دارای یک فرزند ابتدایی
٦	خانم علیزاده	مادر	داری دو فرزند ابتدایی
٧	خانم اخوان	مادر	دارای یک فرزند متوسطه
٨	آقای باقری	پدر	دارای یک فرزند ابتدایی
٩	خانم حسینی	مادر	دارای یک فرزند ابتدایی
١٠	خانم بخشی	مادر	دارای دو فرزند متوسطه
١١	خانم سبزواری	مادر	دارای یک فرزند ابتدایی و یک فرزند متوسطه

1. Purposeful sampling

شماره شرکت‌کننده در تحقیق	نام استعاری	نقش	ویژگی
۱۲	آقای زارع	پدر	دارای یک فرزند ابتدایی
۱۳	خانم دهقان	مادر	دارای یک فرزند ابتدایی یک فرزند متوسطه
۱٤	خانم صبور	مادر	دارای دو فرزند ابتدایی
۱۵	خانم شفیعی	دانش‌آموز	کلاس چهارم
۱٦	آقای برکاتی	دانش‌آموز	کلاس دوزادهم
۱۷	خانم حسنی	دانش‌آموز	کلاس پنجم
۱۸	خانم سجادی	دانش‌آموز	کلاس هفتم
۱۹	خانم زیبایی	دانش‌آموز	کلاس هشتم
۲۰	آقای چراغی	دانش‌آموز	کلاس هشتم
۲۱	آقای رضازاده	دانش‌آموز	کلاس ششم
۲۲	خانم نظری	دانش‌آموز	کلاس یازدهم
۲۳	خانم حاجی‌پور	دانش‌آموز	کلاس دهم
۲٤	آقای سیدی	دانش‌آموز	کلاس سوم
۲۵	آقای توکلی	دانش‌آموز	کلاس نهم
۲٦	خانم منشادی	دانش‌آموز	کلاس اول
۲۷	خانم صابر	دانش‌آموز	کلاس دوم
۲۸	خانم باقری	دانش‌آموز	کلاس نهم
۲۹	آقای رفیعی	دانش‌آموز	کلاس هشتم
۳۰	آقای موسوی	دانش‌آموز	کلاس پنجم
۳۱	آقای اکبری	معلم	کلاس دوم
۳۲	خانم امیری	معلم	معلم متوسطه
۳۳	خانم رضایی	معلم	معلم متوسطه
۳٤	آقای روحی	معلم	معلم متوسطه
۳۵	خانم متقی	معلم	کلاس چهارم
۳٦	خانم حسنی	معلم	معلم متوسطه

برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. یکی از سؤال‌های پژوهش که در کنار دیگر سؤال‌هایی که اهدف اصلی پژوهش را دنبال می‌کردند این بود: «لطفاً از چالش‌ها و دغدغه‌های خود در آموزش مجازی بفرمایید.» سپس با توجه به پاسخ مشارکت‌کنندگان، سؤال‌های بعدی پرسیده شد و برای رسیدن به اطلاعات غنی‌تر از سؤال‌هایی همانند «لطفاً بیشتر در این باره توضیح دهید.» استفاده شد.

برای تحلیل داده‌ها روش تحلیل مضمون به کار رفت. روش تحلیل مضمون انواعی دارد که در این پژوهش با ترکیبی از روش پیشنهادی آترایدا-استیرلینگ (۲۰۰۱)، براون و کلارک (۲۰۰٦) و کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)، فرایندی گام به گام و جامع به‌منظور تحلیل مضمون ارائه می‌شود. در پژوهش حاضر، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، ادغام و یکپارچه کردن متن و شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود که مراحل شش‌گانه عبارت‌اند از: گام اول آشنایی با داده‌ها، گام دوم ایجاد کدهای اولیه، گام سوم جست‌وجوی و شناخت مضامین اولیه، گام چهارم ترسیم شبکه مضامین، گام پنجم تحلیل شبکه مضامین و گام ششم تدوین گزارش (براون و کلارک، ۲۰۰٦، به نقل از کلاته ساداتی و فلک‌الدین، ۱۳۹۹).

اعتبار تحقیق: گام‌های تحقیق حاضر به‌صورت دقیق صورت گرفت و مضامین براساس محتوای مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان به‌صورت دقیق استخراج شد. نتایج تحقیق بدون هیچ نوع سوگیری ارائه شد تا دیگر پژوهشگران نیز بتوانند از نتایج بهره‌مند شوند. همچنین تلاش شد تا سایر مخاطبان معنایی مشابه استنباط کنند که در این زمینه از تأیید اعضای مشارکت‌کننده استفاده شد. ملاحظات اخلاقی نیز مدنظر پژوهشگران بود.

٤. یافته‌های تحقیق

تحلیل داده‌ها نشان داد که یکی از مهم‌ترین دغدغه خانواده‌ها و معلمان، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. مجازی شدن آموزش باعث گسست و جداشدگی ناگهانی دانش‌آموز از

فضای مدرسه شده است. ابزارهای رسمی و غیررسمی کنترل و نظارت به حداقل ممکن می‌رسد. این امر به کاهش اقتدار غیررسمی و ضعف اقتدار فرهنگی معلم و مدرسه و حتی خانواده بر دانش‌آموز منجر می‌شود. مهم‌ترین علت این است که کنترل و نظارت خانواده و معلم بر فضای مجازی به حداقل می‌رسد و مهم‌تر آنکه سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان در اغلب موارد از خانواده و مدرسه و معلم بیشتر است. در این شرایط، همه ابزارهای کنترل و نظارت از دست می‌رود و هیچ نظارت و اطلاعی از دوره‌گردی مجازی دانش‌آموز در ساعات غیردرسی نیست؛ چه‌بسا در ساعات درسی نیز چنین دوره‌گردی‌هایی اتفاق می‌افتد و کاری نمی‌توان کرد. علاوه بر این، به لحاظ محتوایی نیز آموزش اقتدار سنتی خود را از دست می‌دهد و فقدان نظارت چندسویه دانش‌آموز را با فضای جدیدی از سیالیت شناختی و کنشگری اجتماعی مواجه می‌کند که با کاهش اقتدار مدرسه مرتبط است. آسیب‌های فضای مجازی و تعارض‌های چندوجهی نیز مهم‌ترین تهدیدکننده‌های آموزش مجازی هستند. بعد از تحلیل داده‌ها پنج مضمون اصلی برساخت شد که عبارت‌اند از: کاهش اقتدار معلم، غیررسمی شدن مناسک آموزش، آسیب‌های فضای مجازی، تعارض‌های چندوجهی و ضعف نظارت (جدول ۲).

جدول ۲. مقوله‌های فرعی و اصلی و مضامین اصلی مرتبط با جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در کووید-۱۹

مضامین اصلی	زیرمقولات اصلی	مقوله‌های فرعی
کاهش اقتدار معلم	عدم شناخت دوسویه، خطاهای آموزشی، عدم کنترل بر بستر آموزش، بالابودن سواد رسانه‌ای دانش‌آموز از معلم	عدم شناخت معلم از دانش‌آموز، عدم شناخت دانش‌آموز از معلم، ناشناخته بودن فضای تدریس، تپق‌های آموزشی، قطعی برق و اینترنت، ضعف روش آموزش، تجربه استفاده بیشتر دانش‌آموز از فضای مجازی، آگاهی کم معلم از از فضای مجازی
غیررسمی شدن مناسک آموزش	بی‌توجهی به آراستگی، قدرت گرفتن فضای غیررسمی آموزش، حضور عوامل مداخله‌گر، برنامه درسی فراهنجاری	آراسته نبودن پوشش لباس فرم و مرتب نبودن ظاهر، مداخله مفاهیم هیجانی و عاطفی، قدرت گرفتن نقش والدین، وجود آلودگی‌های صوتی، مداخلات همچون مهمان‌داری، برنامه‌ریزی‌نکردن دانش‌آموز، نامنظم شدن ساعت یادگیری و خواب و استراحت، وجود زمان‌های آموزشی نامنظم

مضامین اصلی	زیرمقولات اصلی	مقوله‌های فرعی
آسیب‌های فضای مجازی	آسیب‌های اجتماعی آسیب‌های روحی‌روانی آسیب‌های جسمانی	شکل‌گیری رفتارهای ضداجتماعی، کاهش تعاملات واقعی با دوستان و خانواده، دوستیابی‌های ناشناخته و افراطی، جست‌وجو در سایت‌ها و کانال‌های نابهنجار و شکل‌گیری بلوغ زودرس، متکی شدن به خانواده، افسردگی، رفتارهای پرخاشگرانه و بی‌حوصلگی، اعتیاد به گوشی و بازی‌های آنلاین، تمایل به تنهایی و انزوا، سردردهای ناشی از استفاده از گوشی، آسیب‌های بینایی، آسیب‌های واردشده به کمر و گردن، کم‌تحرکی
تعارض‌های چندوجهی	تعارض‌های نهاد خانواده و مدرسه، تعارض نقش‌ها، الگوی فراهنجاری	دخالت والدین در آموزش و امر و نهی کردن والدین در کار معلم، تعارض‌های نقش معلم، تعارض‌های نقش دانش‌آموزان، تغییر الگوی تنبیه و تشویق، الگوگیری غیرعلنی
ضعف نظارت	ضعف نظارت بر دانش‌آموز، ضعف نظارت بر معلم	کاهش نظارت والدین بر دانش‌آموز، کاهش نظارت اولیای مدرسه بر دانش‌آموز، کاهش نظارت معلم بر دانش‌آموز، کاهش نظارت مدرسه بر کیفیت آموزش، کاهش نظارت بر برگزاری کلاس‌ها و حضور معلم

کاهش اقتدار معلم

در فضای معمولی آموزش و در شرایط غیرکرونایی، معلم نفوذ سنتی پذیرفته‌شده را داشت. این اقتدار و نفوذ معلم به دلایل مختلفی ازجمله فاصله افتادن بین دانش‌آموز و معلم در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ بود که به کاهش شناخت دوسویه و همچنین عدم کنترل بر بستر آموزش مجازی منجر شد و ناشی از ضعف روش آموزش و قطعی برق و اینترنت بود که درنهایت موجب کاهش اقتدار معلم شد. به عامل اصلی دیگر می‌توان به وجود خطاهای آموزشی ناشی از تیق معلم (که در این بستر گسترده رسانه به‌عنوان یکی از فانتزی‌های جامعه ایران در حال انتشار بود) و بالاتربودن سواد رسانه‌ای دانش‌آموز از معلم نیز اشاره کرد. آموزش مجازی به فاصله‌افتادن بین دانش‌آموز و معلم منجر شد. این فاصله موجب عدم شناخت معلم از دانش‌آموز و عدم شناخت دانش‌آموز از معلم شد. این عدم شناخت در پایه‌های ابتدایی و ششم به هفتم و نهم به دهم شدت آن بیشتر بود؛ زیرا دانش‌آموز تجربه

آموزشی از قبل با این معلم را نداشت. همچنین به‌دلیل تعداد زیاد دانش‌آموزان، معلمان قادر به شناخت آن‌ها در فضای مجازی بدون ارتباطات چهره به چهره در مقایسه با آموزش حضوری نبودند. مسئله دیگری که در عدم شناخت مطرح است، درک نداشتن دانش‌آموزان ابتدایی از محیط و جو آموزشی مدرسه، معلم و مدیر است که به ناملموس بودن ماهیت آموزش برای این دانش‌آموزان اشاره دارد. یکی دیگر از مقوله‌ها، بالابودن سواد رسانه‌ای دانش‌آموز از معلم بود. بسیاری از دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان دوره متوسطه، قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ و شروع آموزش مجازی، به‌عنوان یک کاربر در فضای مجازی حضور و فعالیت داشتند و به‌دلیل همین فعالیت‌ها و کنجکاوی‌های آنان، اطلاعات و آگاهی بسیار بیشتری در مقایسه با معلمان خود داشتند که در این عرصه حضور کم‌رنگ‌تری قبل از همه‌گیری کووید-۱۹ داشتند. شکل‌گیری آموزش مجازی موجب شد تا دانش‌آموز در مقایسه با معلم خود در این فضا سرآمدتر باشد و راحت‌تر از معلم بتواند در این فضا فعالیت داشته باشد و قابلیت‌های این فضا را بداند.

مشارکت‌کننده شماره ٣٦: *«اول سال تحصیلی به دانش‌آموزان گفتیم که پروفایل‌های خود رو متناسب‌سازی کنند و اسم و فامیل خودشون باشه؛ چون ما حدود ٤٠٠ دانش‌آموز داشتیم و واقعاً نمی‌تونستیم بشناسیمشون یا شماره همشون رو ذخیره داشته باشیم.»*

مشارکت‌کننده شماره ١٦: *« معلم گاهی اصلاً نمی‌دونست فضای مجازی چیه. نمی‌دونست باید چی‌کار کنه. معلم بیست‌ساله داره روبه‌رو با دانش‌آموز می‌شه و از فضای مجازی در حد بسیار کم و رفع نیاز بلد بود. من خیلی بهتر از معلمم می‌دونستم که چه قابلیت‌هایی وجود داره.»*

مشارکت‌کننده شماره ۹: *«مادرشوهرم معلم هستند. برج ده بود که دیگه مدارس تعطیل شد. اینا کلاس اول بودند و بعد رفتند کلاس دوم مجازی و بعد اومدن کلاس سوم. می‌گن مادرشوهرم که دانش‌آموز اصلاً نمی‌دونه مدرسه چیه. نشستن روی صندلی یعنی چی. معلم*

یعنی چی. زنگ تفریح خورده، زنگ تفریح یعنی چی. هنوز هیچی این بچه کلاس سومی نمی‌دونه.»

آموزش در فضای مجازی رویکردی نو در نظام آموزش و پرورش ایران بود. شیوه مناسب برای کنترل این بستر تدریس تاحدودی به روش اتخاذشده توسط معلم برای تدریس دانش‌آموزان بستگی داشت. ازآنجاکه تجربه تدریس قبل از همه‌گیری کووید-۱۹در فضای مجازی برای بسیاری از معلمان شکل نگرفته بود، خطا و آزمون در اتخاذ روش جدید آموزش نیز به وجود آمد که به عدم کنترل بر بستر آموزش منجر شد. از طرفی، قطعی‌های مکرر برق و اینترنت عاملی برای خارج شدن دانش‌آموزان و معلمان از فضای تدریس و عدم کنترل بر این بستر بود. همچنین خطاهای آموزشی ناشی از تپق‌های معلمان یا دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان به‌عنوان یکی از فانتزی‌های جامعه ایران در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ مطرح بود. نمی‌توان انکار کرد که این خطاها در آموزش حضوری نبوده، ولی قابلیت انتشار آن‌ها به‌صورت محدود بوده است، اما با به وجود آمدن آموزش مجازی بر شدت این خطاها افزوده شد و قابلیت دیدن و انتشار آن‌ها برای افرادی که حتی در چرخه آموزش کشور قرار نداشتند، فراهم شد.

مشارکت‌کننده شماره ۳۳: *«من اوایل که می‌خواستم در شبکه شاد درس بدم، یه لایو گرفتم یک‌ساعته. دیدم بچه‌ها فرار کردنئ. بعد متوجه شدم که زمان لایو رو باید بیارم پایین تا بتونم بهتر کنترل کنم و با خطا و آزمون خیلی از مسائل رو متوجه شدم تا بازخورد بهتری از کلاس‌هام داشته باشم.»*

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: *«ما منتظر بودیم که معلم یه سوتی بده، یه تپقی بزنه. دیگه این قدر توی این صفحه چت می‌کردیم و حرف می‌زدیم که زمان کلاسی تموم بشه. معلم دیگه نمی‌تونست کنترل کنه. گاهی سوتی‌هایی هم از معلم‌ها می‌دیدیم که با خودمون می‌گفتیم بنده خدا آبروش رفت.»*

غیررسمی شدن مناسک آموزش

مضمون برساخت‌شده دیگر، غیررسمی شدن مناسک آموزشی است. وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهمترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور مطرح است و قوانین و مناسک رسمی مختص به خود را نیز دارد. با شروع آموزش مجازی، عواملی مانند برنامه درسی فراهنجاری، بی‌توجهی به آراستگی، حضور عوامل مداخله‌گر و قدرت گرفتن فضای غیررسمی آموزش که در ادامه دربارهٔ آن‌ها شرح داده می‌شود، موجب شد تا آموزش و پروش با ضعف اجرایی مناسک آموزشی مواجه شود و جو حاکم بر غیررسمی شدن مناسک خود را در بربگیرد. برگزاری کلاس‌ها در بستر خصوصی، موجب ورود مسائل شخصی افراد و عوامل مداخله‌گر در امر آموزش همچون مهمان، آلودگی‌های صوتی، عوامل حواس‌پرتی و... به بستر رسمی آموزش شد؛ ازاین‌رو کنترل دانش‌آموز و معلم بر این عوامل مداخله‌گر دشوار بود. همچنین زمان تدریس و ساعت برگزاری کلاس‌ها در آموزش مجازی به‌صورت نامنظم بود. بسیاری از معلمان تدریس خود را به ساعت‌های مختلف شبانه‌روز موکول می‌کردند و دانش‌آموزان نیز برای درس و امور زندگی خود برنامه‌ریزی نداشتند.

مشارکت‌کننده شماره ۱: *«در خانه هم‌زمان تلویزیون روشنه و هم‌زمان داره پیامک می‌ده. از کلاس بیرون میاد جواب پیام دوستش رو می‌ده و هم‌زمان تخمه و صبحانه می‌خوره؛ یعنی عوامل حواس‌پرتی در اون زیاده و معلم هم خب کنترل بر این اوضاع نداره. تمام این قضایا هم برای معلمان سخته هم برای دانش‌آموزان.»*

مشارکت کننده شماره ۱۳: *«روال برنامه تغییر پیدا کرده بود. دیگر برنامه‌ریزی هم تحصیلی هم زندگی نداشتند. تا ظهر خواب‌اند و تا نصف شب بیدار. چه ساعتی رو می‌خواد برای خودش در نظر بگیره تا یاد بگیره؟»*

خارج شدن از محیط مدرسه و فراگیری آموزش در بستر فضای مجازی موجب شد تا مفاهیم عاطفی و نمادهای هیجانی وارد فضای رسمی درس شود و از سوی دیگر، آموزش دانش‌آموز در بستر خانواده موجب شد که والدین در امر آموزش نقش پررنگ‌تری داشته

باشند و گاهی با قصد راهنمایی و همراهی، نقش دانش‌آموز را ایفا کنند؛ این دو عامل به قدرت گرفتن فضای غیررسمی آموزش منجر شد. از طرفی، خارج شدن از محیط مدرسه موجب شد تا پیراستگی، مرتب بودن و استفاده از عطر و ادکلن و لباس فرم‌های اتو کشیده و تمیز دانش‌آموزان و معلمان که در آموزش حضوری به آن توجه ویژه‌ای داشتند، در آموزش مجازی به این آراستگی بی‌توجهی شود؛ زیرا دانش‌آموزان و معلمان در محیط رسمی آموزش نبودند و همدیگر را مشاهده نمی‌کردند.

مشارکت‌کننده شماره ١٤: *«این خیلی بده که بعضی مادرها اون وسط می‌گن خانم فلانی، عزیزم، وای مرسی؛ کلماتی که با فامیل و دخترخاله شاید آدم صحبت کنه. اصلاً از حالت رسمی‌اش در اومده بود. شاید احساس می‌کردن این‌جوری بیشتر به چشم خواهد اومد. هی حرف بزنن، هی پیام بدن، خودمونی بشن و استفاده از کلمات عزیزم و... . این واقعاً درست نیست و ارزش معلم رو آوردن پایین. از صورت رسمی خارج شد و این به مرور خودش رو نشون می‌ده.»*

مشارکت‌کننده شماره ۲۵: *«ما که زیر پتو حضورمون رو می‌زدیم و می‌خوابیدیم یا داداش کوچک‌ترم می‌خواست یه فیلم از خودش بگیره، فقط همون لباسش رو می‌پوشید که توی فیلم می‌فته و با شلوارک توی خونه بود، ولی قبلاً وقتی می‌خواستیم بریم مدرسه، خیلی حواسمون به تمیز بودن و آراستگی‌مون بود و گاهی عطر و ادکلن هم می‌زدیم.»*

آسیب‌های فضای مجازی

مضمون دیگر که بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیرگذار بود، آسیب‌های فضای مجازی است. شکل‌گیری آموزش مجازی باعث شد که خانواده و مدرسه، دانش‌آموز را وارد فضای جدیدی کنند. این فضا دانش‌آموزان را به شبکه پهناوری از فضای رسانه‌ای متصل می‌کرد که کنترل و نظارت بر عملکرد دانش‌آموز را در این فضا کاهش داد. از یک سو، کاهش کنترل و نظارت و از سوی دیگر، استفاده نادرست از این فضا موجب شد تا آسیب‌های اجتماعی، روحی‌روانی و جسمانی برای دانش‌آموزان به‌همراه داشته باشد. روی آوردن دانش‌آموزان به

فضای مجازی موجب شد تا آن‌ها فعالیت‌های جسمانی مربوط به سلامت خود مانند سحرخیزی، ورزش کردن، پیاده‌روی، تفریح و سرگرمی‌های ناشی از تحرک را کاهش دهند و بیشتر به گوشی مشغول شوند. این استفاده بی رویه از گوشی و کم‌تحرکی آنان موجب شد تا دانش‌آموزان آسیب‌های جسمانی همانند سردرد، کمردرد و ضعف بینایی ببینند. همچنین محدود شدن دانش‌آموز در همه‌گیری کووید-۱۹ در محیط منزل و استفاده نادرست و زیاد دانش‌آموزان از فضای مجازی موجب شد تا دانش‌آموز به گوشی اعتیاد پیدا کند و دچار آسیب‌های روحی و روانی مانند افسردگی و بی‌حوصلگی، تمایل به انزوا و تنهایی، کاهش عزت‌نفس و رفتارهای پرخاشگرانه شود.

مشارکت‌کننده شماره ۲۳: *«من گوشی که زیاد دستم بود، خیلی سردرد می‌شدم و چشمام هم به قول مامانم خیلی ریزتر شده و احساس ضعیف شدن هم دارم. معلممون هم از گردن‌درد و کمردرد صحبت می‌کردند.»*

مشارکت‌کننده شماره ۱۸: *«خیلی دوست ندارم توی جمع شلوغ باشم؛ چون توی خونه سکوت بوده و تنها بودم. الآن هم ترجیحم اینه که تک و تنها باشم و سرم توی گوشیم باشه.»*

جامعه ناگزیر بود تا شرایط ورود دانش‌آموز به بستر فضای مجازی را فراهم کند، اما این بستر نامطمئن، قدرت نظارت والدینی را کاهش می‌داد و دانش‌آموزان را به‌ویژه آن دسته از دانش‌آموزان که در سن بحران هویت قرار دارند، به فضای غیرمجاز سوق می‌داد. در این فضا دانش‌آموزان به تماشای فیلم‌ها و عکس‌های نامتناسب با سن خود و دوستیابی‌های ناشناخته، بازی‌های اینترنتی و... مشغول بودند که به کاهش تعاملات واقعی با خانواده و دوستان و بروز رفتارهای ضداجتماعی منجر می‌شد.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: *«سن نوجوانی، سنی که گرایش به جنس مخالف، کنجکاوی‌های بیش از اندازه و بحران هویتی که در نوجوان شکل می‌گیره، باعث می‌شه بیشتر تمایل داشته باشه تا در فضای ناشناخته‌ای مثل اینترنت وارد بشه. شاید اولش به نیت*

درس است، ولی وقتی سایت باز می‌کنه، عکس‌های مختلف و سایت‌های مختلف تحریک‌کننده است.»

تعارض‌های چند وجهی

مضمون دیگر، تعارض‌های چندوجهی در آموزش مجازی در دوران همه‌گیری کووید–۱۹ است. آموزش مجازی رویکردی نو در آموزش و پرورش بود که در همه‌گیری کووید–۱۹ فراگیری آموزش را از محیط مدرسه خارج کرد و وارد محیط منزل کرد. ادغام محیط آموزش و منزل موجب شد تا تعارض‌هایی بین نهاد خانواده و مدرسه شکل بگیرد و دانش‌آموزان نیز دارای الگوی فراهنجاری شوند. از سوی دیگر، افراد در محیط‌های مختلف نقش‌های متفاوتی دارند و وارد شدن فرایند کامل آموزش در منزل موجب شد تا هم‌زمان از افراد انتظارات نقش‌های دیگر نیز داشته باشند و تعارض ایفای نقش شکل بگیرد. جامعه برای افراد نقش‌های مختلفی را در نظر گرفته است و انتظار دارد تا نقش خود را ایفا کنند. ورود آموزش مجازی به محیط منزل منجر شد تا معلمان و دانش‌آموزان علاوه‌بر نقشی که قبلاً در محیط مدرسه ایفا می‌کردند، نقشی را ایفا کنند که در محیط منزل نیز دارند. وجود هم‌زمان چند نقش با هم به تعارض برای ایفای آن‌ها منجر شد؛ مانند معلمی که در محیط منزل از او انتظار همسرداری و فرزندپروری نیز می‌شود یا دانش‌آموزی که از او انتظار فرزندی نیز است. همچنین ورود کامل فرایند آموزش به محیط منزل موجب شد تا معلمان از والدین انتظار برای همراهی در امر یادگیری فرزندانشان داشته باشند و بعضی از معلمان نقشی برای مادران در یادگیری دانش‌آموزان لحاظ کردند و از آن‌ها انتظاراتی داشتند. از سوی دیگر، والدین با مشاهده مستقیم فرایند آموزش و همراهی افراطی در آموزش فرزندانشان می‌کردند؛ به‌گونه‌ای‌که آن‌ها نقش دانش‌آموز را خود ایفا می‌کردند و این امر به امر و نهی‌های مکرر و دخالت‌های بیجای آن‌ها در آموزش منجر می‌شد و تعارض‌هایی بین نهاد خانواده و مدرسه شکل می‌گرفت.

مشارکت‌کننده شماره ۲۲: *«وقتی خونه هستی خب مامانت تو رو توی خونه می‌بینه و می‌گه که پاشو ظرف‌ها رو بشور یا مهمون میاد باید پاشی بیای سمت مهمون‌ها. من که مامانم هم می‌رفتن سر کار باید غذا هم درست می‌کردم؛ چون خونه بودم. قبلاً که می‌رفتم مدرسه، مامانم شب قبلش غذا درست می‌کردن و ظهرگرم می‌کردن، ولی الآن دیگه من خونه بودم و غذا هم درست می‌کردم.»*

مشارکت‌کننده شماره ۹: *«مادر زیاد داره توی کار معلم دخالت می‌کنه. مدام دارن امر و نهی می‌کنن که این کار رو کنید، اون کار رو نکنید. هرچی معلم می‌گه این کلاس برای دانش‌آموزاست و دانش‌آموز باید سر کلاس باشه، اما فایده نداره. بازم حرف خودشون رو می‌زنن و می‌نویسن و می‌فرستن برای معلم و این ارزشیابی رو ضعیف کردند. معلم متوجه نمی‌شه که کار دانش‌آموزه یا کار مادره.»*

الگوهای متنوع فراوانی در جامعه وجود دارد و افراد جامعه نیز بعضی از این الگوها را استفاده می‌کنند، اما گاهی این الگوها تغییرات درخور ملاحظه‌ای به خود می‌گیرند؛ ازجمله الگوی تشویق و تنبیه دانش‌آموزان که امروزه متناسب با آموزش مجازی و استفاده بیشتر دانش‌آموزان از گوشی، درخواست تشویقی خود را به‌صورت گیگ یا ساعت استفاده بیشتر از گوشی از والدین خود خواستارند یا والدین برای تنبیه فرزندان خود این موارد را از آن‌ها سلب می‌کنند. علاوه‌بر تغییر الگوی تشویق و تنبیه می‌توان به الگوی یادگیری نیز اشاره کرد که فرزندان خردسال خانواده با مشاهد غیرمستقیم اعضای خانواده خود در امر آموزش، نحوه فعالیت در سیستم آموزشی را یاد گرفته‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۳: *«این بچه کوچیکم که تازه اومده کلاس اول از خواهر بزرگترش یاد گرفته یک‌سری چیزها رو؛ مثلاً الآن می‌دونه چه‌جوری با اینکه سواد نداره توی فضای مجازی با معلمش ارتباط بگیره. میاد و ویس می‌ده و حتی تشویق و تنبیه هم الگوش فرق کرده. الآن برای کادوی تولدش گفته مامان گیگ بده.»*

ضعف نظارت

نظارت و کنترل برای هر سازمان و نهادی برای جلوگیری از هرج‌ومرج و رسیدن به اهداف از قبل تعیین‌شده، امری اجتناب‌ناپذیر است و آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنا نیست. با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ و شروع آموزش در فضای مجازی، نظارت بر معلم و دانش‌آموزان تضعیف شد که در ادامه به آن پرداخته شده است. حضور دانش‌آموز در منزل و به دور از محیط مدرسه موجب شد تا نظارت مستقیم معلم و اولیای مدرسه بر دانش‌آموزان حذف شده، بر آموزش بیشتر تأکید شده و از اهمیت پرورش کاسته شود. همچنین به‌دلیل گسترده بودن فضای مجازی و سواد رسانه‌ای بالای دانش‌آموزان، حتی والدین که به‌صورت مستقیم با دانش‌آموزان در ارتباط بودند، قدرت نظارت و کنترل آن‌ها کاهش یافت. در آموزش مجازی نظارت بر حضور و غیاب معلمان و کیفیت تدریس نیز کاهش یافت. مدرسه همانند آموزش حضوری قدرت نداشت که در ساعت مختلف برنامه درسی را بررسی کند، از تشکیل شدن کلاس‌ها مطمئن شود و کیفیت تدریس را بررسی کند.

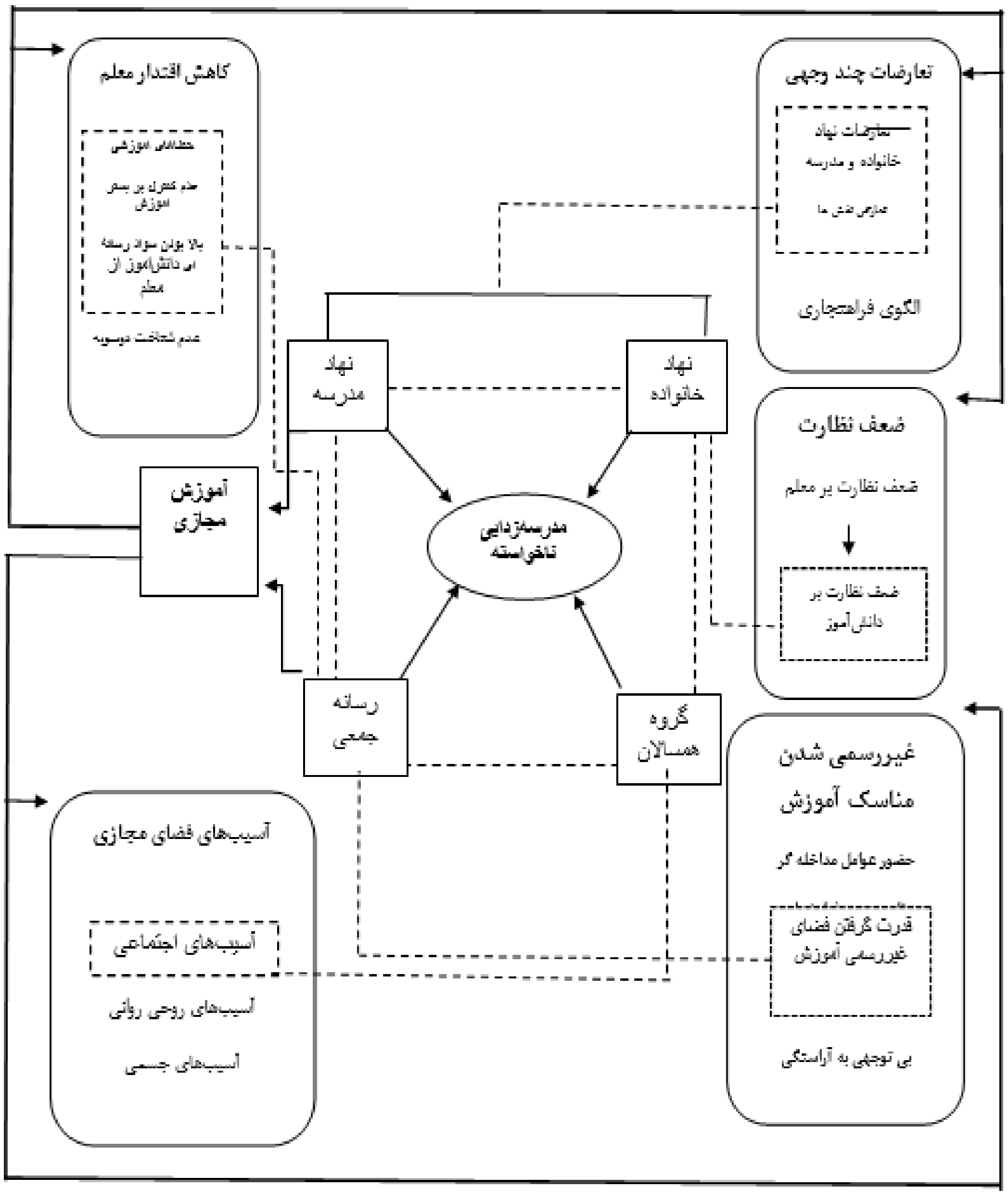
مشارکت‌کننده شماره ۷: «*معلمان دغدغه آموزش شاید داشتند، ولی دیگه پرورش نداشتند. در زمان مدرسه وقتی دانش‌آموزی با یک رفتار ضداجتماعی حاضر می‌شه، اون رفتار ضداجتماعی برای مدیر ایجاد نگرانی می‌کنه و والدین رو هشدار می‌ده و مشاور مدرسه ورود می‌کنه. برنامه‌هایی برای دانش‌آموز چه تشویقی چه تنبیهی داشتند، ولی این قضیه برای بچه‌هایی که والدین کنترلگر، آگاه و هوشمند نداشتند، باعث شد که به راه‌های خطا برن. قبلاً در محیط مدرسه وقتی دانش‌آموز رفتار ضداجتماعی نشون می‌داد، قطعاً نظاراتی از طریق معاون، مدیر و... بود.*»

مدل مفهومی

تحقیق نشان می‌دهد که جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در همه‌گیری کووید-۱۹ به «مسئله» تبدیل شده است. با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ و تغییر شرایط زندگی اجتماعی و به وجود آمدن محدودیت‌ها، نهاد مدرسه به‌عنوان عامل رسمی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، دیگر

آموزش حضوری را نداشت و دانش‌آموزان از گروه همسالان خود که بیشتر آن‌ها در مدارس بودند جدا شدند و به محیط خانواده و بستر رسانه جمعی برای شرکت در کلاس‌های آموزشی سوق داده شدند. این تغییر در ساحت آموزش پرورش موجب شد تا روند جامعه‌پذیری افراد دچار تغییرات شود. از سویی، عوامل جامعه‌پذیری مدرسه مانند معلمان و اولیای مدرسه و برنامه درسی پنهان و... دیگر قوت تأثیرگذاری قبلی خود را در آموزش نداشتند و از سوی دیگر، دانش‌آموزان وارد بستر جدیدی از آموزش در فضای گسترده و پیچیده رسانه در محیط خانواده شدند. این تغییر روند موجب شد تا فرد در شرایطی قرار بگیرد که به‌صورت هم‌زمان از مدرسه، رسانه‌های جمعی و خانواده تأثیر پذیرد. تا قبل از همه‌گیری کووید-۱۹، تأثیر این عوامل به‌صورت هم‌زمان و در یک مکان نبود و به‌صورت تفکیک‌شده بر فرد تأثیر می‌گذاشتند، اما با همه‌گیری کووید-۱۹ نه‌تنها شدت تأثیرگذاری هرکدام بر افراد متفاوت شد، بلکه این عوامل در نقش جامعه‌پذیری یکدیگر دخیل شده و با چالش‌های جدیدی نیز مواجه شدند؛ مانند تعارض‌های چندوجهی که فرد در بستر خانواده آموزش رسمی خود را دنبال می‌کرد، موجب شد تا خانواده در فرایند آموزشی دخالت داشته باشند و تضادها و تعارض‌هایی بین مدرسه و خانواده شکل بگیرد. از سوی دیگر، به‌دلیل حضور فرد در خانواده نه‌تنها او دارای نقش فرزندی بود، بلکه به‌طور هم‌زمان باید به نقش دانش‌آموزی خود نیز عمل می‌کرد. این امر نیز موجب شکل‌گیری تعارض در انجام نقش‌ها شد. چالش بعدی، ضعف نظارت بود. نه‌تنها نظارت مدرسه بر کیفیت آموزش و معلمان در حضور و غیاب و... کاهش یافت، بلکه معلم نیز بر دانش‌آموز خود نظارت نداشت. از سوی دیگر، نظارت والدین بر فرزند خود به‌دلیل گستردگی فضای رسانه و نامنظم شدن ساعات تدریس و استفاده دانش‌آموزان از فضای مجازی با ضعف مواجه شد. غیررسمی شدن مناسک آموزش باعث شد که دانش‌آموز در محیط منزل به دور از چشم کادر آموزشی، دیگر آن آراستگی و برنامه درسی قبلی را نداشته باشد و عوامل مداخله‌گری همانند آلودگی‌های صوتی و... در آموزش به وجود آمد. همچنین فضای غیررسمی آموزش به‌دلیل استفاده

دانش‌آموزان از مفاهیم عاطفی قوت گرفت. چالش بعدی، آسیب‌های فضای مجازی بود. شکل‌گیری آموزش در بستر رسانه موجب شکل‌گیری آسیب‌هایی برای افراد شد. این بستر گسترده و ناشناخته بر میزان، نحوه و نوع استفاده افراد تأثیر فراوانی داشت و موجب شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، جسمانی و روحی-روانی در افراد شد. چالش نهایی شناسایی‌شده، کاهش اقتدار معلم بود. معلم اقتدار سنتی قبلی در مدرسه را به دلیل خطاهای آموزشی مثل تپق، عدم کنترل بر بستر آموزشی به دلیل قطعی برق و اینترنت، عدم شناخت دوسویه بین وی و دانش‌آموز و بالاتر بودن سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان به دلیل تجربه و استفاده بیشتر آنها نداشت. در نتیجه جامعه‌پذیری به «مسئله» تبدیل شد (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی "مدرسه‌زدایی ناخواسته" در موضوع جامعه‌پذیریِ دانش‌آموزان در کووید-۱۹

همان‌گونه‌که شکل ۱ نشان می‌دهد، مطابق نظریه‌های مطرح‌شده در مقدمه، مدرسه در شکل سنتی آن تلاش می‌کند که الگوی جامعه‌پذیری را مسلط کندف اما شرایط جدید نوعی مقاومت از سوی دانش‌آموز در مقابل اهداف و مناسک مدرسه را نشان می‌دهد. درواقع می‌توان گفت که شرایط آموزش مجازی، نوعی اخلاق مقاومت دانش‌آموز را نشان می‌دهد که تلاش دارد آزادی بیشتری در مقابل اصول و اسلوب‌های حاکم جامعه‌پذیری را نشان دهد. درواقع می‌توان گفت، آن اقتداری که ایلیچ به نقد کشیده، درمعرض فروپاشی قرار گرفته است. این موضوع بیشتر از همه به این دلیل است که بین دانش‌آموز و معلم میدان جدیدی به نام فضای مجازی شکل گرفته است. از سوی دیگر، بیماری کرونا باعث ایجاد مشکلات و تنش‌های روانی روی دانش‌آموز و خانواده‌اش شده که این امر باعث شده است که اهمیت مدرسه و نقش معلم و مدرسه برایش کمتر شود یا در اولویت گذشته قرار نگیرد. همه این مسائل باعث شکل‌گیری نوعی مدرسه‌زدایی ناخواسته شده است که نقش و جایگاه مدرسه به‌عنوان عامل مهم جامعه‌پذیری را کاهش داده است. اگر مبانی نظری ایلیچ را مدنظر قرار دهیم، درمی‌یابیم که همه‌گیری کووید-۱۹ باعث کاهش نقش و اقتدار نهاد مدرسه و عاملان آن یعنی معلم، مدیران و... شده است؛ حتی نهاد خانواده نیز از توانایی و نقش گذشته خود در کنترل امور جامعه‌پذیری فرزند فاصله گرفته است. مهم‌ترین دلیل این است که آموزش مجازی در میدانی روی داد که کنشگر اصلی آن دانش‌آموز و نه دیگر ارکان جامعه‌پذیری است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در آموزش مجازی انجام شد. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرایندی است که فرد شیوه‌های زندگی جامعه خود را فرامی‌گیرد، شخصیت کسب می‌کند و آمادگی رفتار را به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد (منادی، ۱۳۸٦). اجتماعی شدن نه‌تنها در جوامع متفاوت است، بلکه در هر عصری

نیز تفاوت دارد؛ زیرا از یک سو ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب و رسوم جوامع متفاوت است و از سوی دیگر این عناصر همیشه نمی‌توانند ثابت بمانند (گیدنز، ١٣٨٦). شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ موجب شد تا این عناصر تغییرات گسترده‌ای کند و بر عوامل اصلی جامعه‌پذیری (نهاد خانواده، نهاد مدرسه، گروه همساالان و رسانه جمعی) تأثیر بگذارد. جامعه‌پذیری از نهاد خانواده شروع می‌شود و در مدرسه ادامه پیدا می‌کند. با شیوع همه‌گیری کووید-۱۹ و خروج دانش‌آموزان از مدرسه و سوق دادن آن‌ها به آموزش مجازی در بستر خانواده موجب شد تا مدرسه فقط به آموزش توجه داشته باشد و نقش تربیتی و پرورشی‌اش که به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان منجر می‌شود، کاهش یابد و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بیشتر متأثر از فضای رسانه در بستر خانواده شود. این تغییر روند موجب به وجود آمدن چالش‌هایی برای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان شد. یافته‌های تحقیق حاضر به چالش‌های کاهش اقتدار معلم، غیررسمی شدن مناسک آموزش، ضعف نظارت، تعارض‌های چندوجهی و آسیب‌های فضای مجازی اشاره دارد که بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر گذاشته است.

یکی از چالش‌های شناسایی‌شده، کاهش اقتدار معلم است. در فرایند جامعه‌پذیری مدرسه یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، معلمان آن‌ها هستند. آموزش مجازی بنا به عدم شناخت دوسویه بین دانش‌آموز معلم، باالتر بودن سواد رسانه‌ای معلم از دانش‌آموزان، خطاهای آموزشی و کنترل نشدن بر بستر آموزش موجب کاهش اقتدار معلم شد. در پژوهشی دیربان و آقایی (۱۳۹۹) به رابطه معنادار سواد رسانه‌ای معلم و بر نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند که با نتایج پژوهش حاضر همسوست.

یکی دیگر از چالش‌های مهم جامعه‌پذیری، تعارض‌های چندوجهی است که این مضمون از زیرمقولات تعارض‌های نهاد خانواده و مدرسه، تعارض نقش‌ها و الگوی فراهنجاری به دست آمده است. با شکل‌گیری آموزش در بستر فضای مجازی موجب شد تا دخالت والدین در امر آموزش بیشتر شود و از طرفی معلمان نیز از والدین انتظار همراهی دانش‌آموز خود در یاددهی داشته باشند که این موجب شکل‌گیری تعارض‌هایی بین نهاد خانواده و مدرسه

شد. از سوی دیگر، دانش‌آموزان و معلمان در محیط خانواده نقش‌های دیگری نیز داشتند که این نقش‌ها با هم در تعارض بودند. پژوهش دهقانی و همکاران (۱۳۹۸) به اتفاق‌نظر بین هنجارها و ارزش‌های نهاد خانواده و مدرسه اشاره دارد که رابطه معناداری با جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دارد و برعکس آن نیز صدق می‌کند که یافته پژوهش حاضر با مطالعه آنان همسوست. چالش دیگر جامعه‌پذیری، آسیب‌های فضای مجازی اعم از آسیب جسمانی، اجتماعی و روحی روانی است . آموزش مجازی دانش‌آموزان در سامانه شاد انجام می‌شد، اما به‌دلیل ضعف این سامانه کلاس‌های درسی نیز در تلگرام، واتساپ و... نیز تشکیل می‌شد و موجب آن شد تا دانش‌آموزان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به میزان زیاد استفاده کنند و این استفاده بی‌رویه آن‌ها به شکل‌گیری آسیب‌های فضای مجازی منجر شد. محسنی و آذری (۱۳۹٦) اشاره کردند که تهاجم فرهنگی و فضای مجازی موجب جامعه‌پذیری منفی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین استورای و همکاران (۱٤۰۰) ذکر کردند که ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به نوبه خود کار سنتی جامعه‌پذیری را به چالش کشیده‌اند. پژوهش حاضر آسیب‌های فضای مجازی را یکی از چالش‌های جامعه‌پذیری برشمرده است که با نتایج دو تحقیق یادشده همسوست. سوینی و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر یادگیری آنلاین بر تجارت اجتماعی شدن دانشجویان مهندسی در طول همه‌گیری کووید-۱۹» انجام دادند. آن‌ها به چگونگی اجتماعی شدن دانشجویان مهندسی اشاره کردند که یادگیری آنلاین موجب ظهور تعاملات جدیدی شده است که این فرایند اجتماعی شدن آنلاین بر یادگیری دانشجویان نیز تأثیرگذار بوده است. یافته پژوهش حاضر به تغییر تعاملات و ارتباطات اشاره کرده که این تعاملات افراطی آسیب‌های اجتماعی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان را با چالش همراه کرده است. دو عامل غیررسمی شدن مناسک آموزش و ضعف نظارت به چالش‌هایی در فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان منجر شد. دانش‌آموزان دیگر به‌صورت رسمی فرایند تعلیم و تربیت خود را دنبال نمی‌کردند و نظارت بر آن‌ها نیز کاهش یافته بود. همه این پنج عامل شناسایی‌شده در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

گواه بر تغییر روند جامعه‌پذیری سنتی مدرسه و قدرت گرفتن فضای رسانه در جامعه‌پذیری افراد می‌دهد.

براساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، آموزش و پرورش در شیوع همه‌گیری کووید–۱۹ شرایطی را تجربه کرده است که دیگر جامعه‌پذیری از سمت مدرسه به روش سنتی قبلی امکان‌پذیر نیست. امروزه سهم عوامل غیررسمی جامعه‌پذیری یعنی فضای رسانه و خانواده بیشتر شده و شدت تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر تغییر یافته است؛ بنابراین چالش‌های شناسایی‌شده به ضرورت برنامه‌ریزی آموزشی و سیاست‌گذاری اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد؛ چراکه اگر چالش‌های جامعه‌پذیری برطرف نشود و تسهیل در امر جامعه‌پذیری انجام نشود، جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دچار اختلال شده و جامعه با ضعف روبه‌رو می‌شود و درنهایت به فروپاشی منجر خواهد شد. از سویی، جامعه دوران جدیدی را به نام پساکرونا و چالش‌های جدید مختص به این دوران را پیش‌رو دارد؛ بنابراین وزارت آموزش و پروش نیازمند تغییر عاجل و جدی در سیاست‌گذاری آموزشی مبتنی بر تغییرات آموزشی و دوران پسا کروناست که محققان موارد زیر را پیشنهاد می‌کنند:

- تلاش در جهت انعطاف‌پذیری نهادی که دانش‌آموز بتواند به انتخاب بهترین شیوه آموزش مبتنی‌بر موقعیت خود دست بزند؛
- استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی و رفع محدودیت‌های نرم‌افزاری و توسعه نرم‌افزار آموزشی شاد به‌منظورتسهیل فرایند آموزشی؛
- بازنگری در شیوه تدریس و محتوای کتب درسی و متناسب‌سازی آن‌ها با فضای مجازی و شیوه یادگیری گروه‌های سنی. می‌توان به هوشمندسازی کتب آموزشی اشاره کرد تا تمرکز دانش‌آموزان بر تعلیم و تربیت بیشتر شود؛
- آگاهی‌بخشی از فرایند آموزش مجازی و چالش‌های مواجهه و فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از فناوری؛

- به‌روزرسانی سواد رسانه‌ای، توسعه اخلاق حرفه‌ای معلمان و مدیران برای حفظ اقتدار مدرسه.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی دانشگاه یزد است که نویسندگان از مشارکت‌کنندگان در تحقیق قدردانی فراوان می‌کنند.

کتابنامه

۱. استورای، ش.، بازوبندی، آ.، خاک پورفرد، س.، و گردانی، ن. (۱٤۰۰). تأثیر موبایل بر جامعه‌پذیری مدرسه، *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم‌تربیتی*، *٤*(۲۱)، ۱٤۱-۱۵۲.

۲. تنهایی، ح. ا. (۱۳۷۹). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. مشهد: مرندیز.

۳. دهقان، ح.، مروت، ب.، و غفاری، ز. (۱۳۹۸). تشابه و تضاد ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده و مدرسه و تأثیر آن بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، *٤۵*، ٤۱-٦٤.

۴. دیربان، م. م.، و آقایی، د. (۱۳۹۹). سواد رسانه‌ای معلمان آموزش و پرورش بر نحوه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی ایلام. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، *٤*(۱۷)، ۳۱۲-۳۲۵.

۵. رزاقی، ن.، و علیزاده، م. (۱۳۹۵). اینترنت و جامعه‌پذیری مجازی نوجوانان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر ساری). *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، *۵*(٤)، ۹-٤۱.

۶. رضازاده بهادران، ح. ر.، و نصیریان، ر. (۱۳۹٦). تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه دهم شهرستان بهارستان. *کنفرانس بین‌المللی و ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، تهران.

۷. رضوانی، ا. (۱۳۹٦). تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جامعه‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهرستان چالوس. *دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش*، تهران.

۸. سلیمی، علی.، و داوری، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کج‌روی* (چاپ دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹. شارع‌پور، م. (۱۳۹٤). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (چاپ سیزدهم). تهران: انتشارات سمت.

۱۰. علی محسنی، ر.، و آذری، ا. (۱۳۹٦). بررسی تأثیر فضای مجازی (تلفن همراه و اینترنت) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی پسرانه منطقه ۱۷ تهران. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، *۸*(۳۵)، ۱-۲۰.

۱۱. کرمی، ع. م.، صمدی، م.، آرمند، م.، و انصاریان، ف. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان متوسطه دوم براساس مبانی جامعه‌شناختی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، *٤*(۲)، ۱۷٤-۱۸۲.

۱۲. کلاته ساداتی، ا.، و فلک‌الدین، ز. (۱۳۹۹). زندان به مثابه بستری مسخ‌کننده یا تعالی‌بخش: مطالعه کیفی تجربه زندان در میان متهمان به قتل در زندان عادل‌آباد شیراز. *نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ۲ (۱٦)، ۱٤۷-۱۷۵.

۱۳. گیدنز، آ. (۱۳۸٦). *جامعه‌شناسی* (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۴. منادی، م. (۱۳۸٦). *درآمد جامعه شناختی بر جامعه‌پذیری*. تهران: جیحون.

۱۵. موسوی، س. ک.، و جمالی، ف. (۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل رابطه میان استفاده از موبایل و جامعه‌پذیری مدرسه‌ای با تأکید بر دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کوهدشت لرستان (سال ۱۳۹۰). *نشریه مطالعات فرهنگ- ارتباطات*، *٤۷*، ۱۸-۷۷.

16. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, *3*(2), 77-101.
17. Easa, N., & Bazzi, A. (2020). COVID-19 and lack of socialization: Does service innovation become an imperative for universities? *International Journal of Disruptive Innovation in Government*, http://dx.doi.org/10.1108/IJDIG-11-2020-0006
18. Irwin, C., & Berge, Z. L. (2006). Socialization in the online classroom. *E-Journal of Instructional Science and Technology*, *9*(1), 1-7.

19. Joulaei, H., & Kalateh Sadati, A. (2020). COVID-19 outbreak and school dropout; a worldwide challenge for an equitable future. *International Journal of School Health*, *7*(4), 1-2.
20. Sadati, A. K., B Lankarani, M. H., & Bagheri Lankarani, K. (2020). Risk society, global vulnerability and fragile resilience: Sociological view on the coronavirus outbreak. *Shiraz E-Medical Journal*, *21*(4), 1-2.
21. Sazmand Asfaranjan, Y., Shirzad, F., Baradari, F., Salimi, M., & Salehi, M. (2013). Alleviating the senses of isolation and alienation in the virtual world: Saocialization in distance education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, *93*, 332-337.
22. Shahabi, S., Martini, M., Behzadifar, M., Sadati, A. K., Zarei, L., Noroozi, M.... & Lankarani, K. B. (2021). How Iranian people perceived the COVID-19 crisis? Explored findings from a qualitative study: Current concerns, ethics and global solidarity. *Journal of Preventive Medicine and Hygiene*, *62*(1 Suppl 3), E53.
23. Sweeney, J., Liu, Q., & Evans, G. (2021) Investigating the impact of online learning on engineering students' socialization experiences during the pandemic. *Proceedings 2021 Canadian Engineering Education Association (CEEA-ACEG21) Conference*, University of Toronto.